

رساله نویسی

(معرفی یک نوع ادبی در دوره قاجاریه)

محمود بشیری

دانشگاه علامه طباطبائی

دگرگونی قالب های ادبی و شیوه نظم و نثر هر دوره ای با آمال و نیازهای مادی و معنوی و شیوه زندگی مردم و نویسندگان و شاعران آن دوره ها مرتبط است. هرچند خوی و خصلت های درباریان هم بظاهر از عوامل مؤثر بر ادب و شیوه های آنست، لیکن حضور سائقه های مردمی در این تغییر و تنوع سبک و نوع ادبی کاملاً شفاف و آشکار است. بنابراین، این سخن که ادبیات هر عصر و نسلی به یک شکل و شیوه است، پنداری به دور از واقعیت است، و اینکه در هر دوره ای از حیات ادبی دو شاخه ادب به لحاظ گرایش درباری و مردم وجود دارد، امری مسلم است؛ چنان که در دوره هایی که ادب ما به شعر مقصور و محدود بود و قالب قصیده و نوع مدح نیز جریان ادبی غالب آن دوره ها بود، در کنار آن مثنویهای عارفانه و شعرهای حکیمانه با داشتن مضمونهای بلند عارفانه برخاسته از تجربیات و مسائل مربوط به زندگانی مردم فرودست و محروم جامعه خالی نبوده است، رواج داشت. شعرهای حکیم سنایی غزنوی و عطار نیشابوری و مولانا جلال الدین بلخی مملو از این مضامین است.^(۱)

در دوره های اخیر که فرهنگ اروپایی به ایران راه یافت و بر افکار و دیدگاهها اثر نهاد، سبب شد اندیشه های گوناگونی طرح شود که طرفدار تغییر شیوه حکومت و معیشت مردم مطابق نمونه های ناآشنا و بیگانه از فرهنگ بومی بود؛ به دنبال آن شکل و محتوای ادب فارسی نیز بر اساس آن اندیشه ها متغیر و متنوع گردید و انواع ادبی جدیدی نیز باب شد.

یکی از شیوه هایی که با توجه به تغییر شکل و محتوای ادب فارسی در دوره قاجاریه در نویسندگی رایج گردید، رساله نویسی است که اکثر نویسندگان این دوره برای بیان عقاید و افکار اجتماعی - سیاسی و انتقادی خود از آن بهره برده اند.

شیوه رساله نویسی که به آن کتابچه نویسی نیز گفته اند: «در حقیقت نوع تازه ای از انشاء با خود همراه آورد و آن نقد سیاسی و تجزیه و تحلیل مسائل و عرض مطالب و موضوعات

بی سابقه در زبان فارسی قابل درک طبقه متوسط مردم بود.^(۲) کثرت استفاده از این شیوه در دوره قاجاریه سبب شد رساله نویسی به عنوان یک نوع ادبی در کنار دیگر انواع ادبی مثل داستان نویسی، نمایشنامه نویسی و ... هویت یابد. رساله‌ها از جهت قالب و شکل در علوم و ادبیات فارسی سابقه طولانی دارند و بیشتر علما و ادبا نوشته‌هایی را که حجم آنها در حد یک کتاب نبود و شکل مقاله‌ای را داشت، با عنوان رساله منتشر می‌کردند. البته وحدت موضوع در رساله بیشتر از کتاب است. رساله‌هایی مانند رساله «نوریه» لامیجی در عالم مثال، رساله «فی الوجود» بوعلی سینا، و رسائل «اخوان الصفا» و ... از این گونه‌اند.

اقبال نویسندگان اواخر دوره قاجاریه به این شیوه نگارش شاید به دلیل حاکم نبودن اصول و قواعد خاصی بر این شیوه بوده باشد؛ زیرا بیان افکار و عقاید به وسیله دیگر قالبهای ادبی چون داستان نویسی، تکنیک و ظرایفی لازم داشت که بدون مهارت و آگاهی به آنها انتقال افکار و عقاید بسادگی و به طور مطلوب به خواننده غیر ممکن بود.

خاطر نویسی، ثبت احوال و نگارش رسالات تاریخی و انتقادی که در آن دوره بسیار معمول بود، همه تحت عنوان رساله - که لفظی عام است - قرار می‌گرفت. از این جهت میدان فراخی برای ارائه نظریه‌های گوناگون وجود داشت که نویسندگانی مانند میرزا فتح علی آخوندزاده، میرزا ملکم خان ارمی، میرزا آقاخان کرمانی، یوسف خان مستشارالدوله، میرزا علیخان امین‌الدوله، میرزا علیخان ظهیرالدوله، حاج سیاح محلاتی و دیگران عقاید خود را در این قالب ادبی بیان کرده‌اند.

برخی از این رساله‌ها ثبت احوال و خاطراتی است که نویسنده خود آنها را تجربه کرده است چه به صورت دیداری و چه به صورت شنیداری، مثل آثار حاج سیاح محلاتی، میرزا علیخان ظهیرالدوله، میرزا علیخان امین‌الدوله، دسته‌ای دیگر رساله‌های تاریخی و انتقادی و ادبی را شامل می‌شود که آثار میرزا آقاخان کرمانی و رساله «ایران» میرزا فتح علی آخوندزاده از این گونه‌اند. بخش دیگر رساله‌هایی است که در آن ضمن نقداوضاع سیاسی و اجتماعی، دریاب لزوم کسب تمدن فرهنگی نیز سخن به میان آمده است که رسائل «شیخ و

وزیر»، «رفیق و وزیر» و رساله «غیبی» ملک‌خان ارمنی از این گونه‌اند.

این آثار، بیشتر بعد از مسأله «کشمکش سیاسی و نظامی درباره افغانستان و هرات که حل و فصل آن ... پای بحث سیاسی و طرح مشکلات اداری و راه‌حل آنها را بدین عرصه باز کرد»^(۳) و رساله‌نویسی در این موارد باب شد. هرچند تمامی نویسندگان آن دوره در آثار خویش بیشتر یک مطلب مشابه چون تجدد و غرب‌گرایی را تکرار و بیان کرده‌اند، اما یوسف‌خان مستشارالدوله در رساله «یک کلمه» علاوه بر تکرار آن مطالب، مسأله التقاط قانون اسلامی با قوانین غربی را بیان کرده است.

به طور کلی، شیوه رساله‌نویسی در ساده‌نویسی و روانی سبک نویسندگی در دوره قاجار مؤثر بوده است. نثری که در این قالب ادبی به کار رفت است. «عادتاً موجز و بی‌آرایه اما شورانگیز و فاخر است و در آثار اینان شاخص است».^(۴)

از ویژگیهای این رساله به لحاظ مضمون و محتوا، موضوعاتی چون ناسیونالیسم، افتخار به گذشته ایران باستانی، قانون‌خواهی و اعتراض نسبت استبداد و خودرأیی، و اعتراض نسبت به سنن بومی و اسلامی و تبلیغ فرهنگ اروپای غربی است. ■

پی نوشت‌ها:

۱- ا.ر.ک: نه شرقی، نه غربی - انسانی، دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ص ۲۳۵.

۲- محیط طباطبائی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۹۳

۳- همان مأخذ، ص ۱۹۳.

۴- محمدعلی سیانلو، نویسندگان پیشرو ایران، ص ۳۴.
